احکام پیمان جبلی در دوره مدیریتش مبتنی بر چه چیزهایی بوده است؟

دوره کارورزی با مدیریت شبکه

سیدمهدی موسوی‌تبار- مریم فضائلی

دهم آبان بود که محسن برمهانی، معاون سیما دست به قلم شد و مانند رویه چند سال اخیر، چند تغییر را در یک پکیج خبری قرار داد و احکام مختلفی را صادر کرد. برمهانی در همین احکام مجزا، محمدباقر اعلمی را مدیر شبکه تهران کرد و حسین زارع‌زاده را به سمت مدیر شبکه مستند منصوب کرد. برمهانی یک حکم برای دو شبکه هم داد و محمدعلی غلامرضایی را گذاشت مدیر شبکه‌های نمایش و تماشا. انتصابات معمولا واکنش‌های متفاوتی را در فضای رسانه‌ای یا مرتبط با آن حوزه ایجاد می‌کند. از مهرماه ۱۴۰۰ که پیمان جبلی با شعار «تحول» جایگزین علی عسگری شد تا به امروز، میزان این واکنش‌ها کمتر و کمتر شده است. اگر انتصابات مدیران شش شبکه تلویزیون در بیستمین روز اردیبهشت سال گذشته -یعنی یک روز پس از انتصاب محسن برمهانی به‌عنوان معاونت سیما- را اوج واکنش‌های فعالان رسانه‌ای بدانیم، بازتاب‌های احکام چند روز پیش حاوی یک پیام خاص بود؛ عادی شدن ابعاد تصمیمات مدیران سیما. حالا دیگر کسی نمی‌پرسد مدیر فلان شبکه تلویزیونی با چه سابقه‌ای انتخاب شده است. حتی دیگر کسی حوصله ندارد بگوید و تکرار کند که آوردن افراد بی‌تجربه و غیرمتخصص را جوان‌گرایی نمی‌گویند و این سوزاندن سرمایه‌های جوان فراتر از یک بدسلیقگی مدیریتی است.

نگاهی به فهرست مدیران فعلی صداوسیما نشان می‌دهد که مدیر شبکه سه سیما یکی از باتجربه‌ترین مدیران حال حاضر سازمان است. این در حالی است که تا همین دو سه سال قبل، اوضاع تقریبا برعکس بود و درباره اینکه او تجربه لازم برای مدیریت ندارد بحث می‌شد. برکناری یا استعفای محسن یزدی که زمانی قائم‌مقام شبکه سه بود و بعدها در میان تعجب همگان مدیر شبکه مستند شد همین چند ماه پیش مایه تاسف و شگفتی اهالی رسانه بود. در ذهن و قلب مدیران ارشد سازمان صداوسیما چه می‌گذرد؟ چرا اکثر مدیرانی که در یکی دو سال اخیر حکم گرفته‌اند سابقه و رزومه چندان روشنی در دنیای رسانه و تصویر ندارند؟ چرا حتی در محیط‌های فرهنگی و رسانه‌ای هم وقتی حکم جدیدی برای یک مدیر تلویزیون یا شبکه می‌آید با تعجب همدیگر را نگاه می‌کنند و از سابقه‌اش سوال می‌کنند؟ این مدیرانی که چه از حسینیه هنر آمده باشند چه از دانشگاه امام‌صادق(ع) و چه از طیف مشهدی‌ها باشند با تکیه بر کدام سابقه تلویزیونی مهم و حتی معمولی، بر مسند مدیریت نشسته‌اند؟

اجازه بدهید یکی دو مورد از همین انتصابات اخیر را بررسی اجمالی کنیم. محمدباقر اعلمی که مدیر شبکه پنج سیما شده قبلا مدیرکل سیمای استان‌ها بوده اما مدیر روابط عمومی معاونت آموزش و پژوهش سازمان صداوسیما و مدیر روابط‌عمومی دانشگاه صداوسیما هم بوده است. اعلمی مشاور مدیرکل و معاون صدای استان البرز هم بوده و حالا با تکیه بر همین سوابق و کمی بیشتر از آن، شده مدیر شبکه پنج یا تهرانی که در روزگاری نه‌چندان دور یکی از محبوب‌ترین و پرمخاطب‌ترین شبکه‌های تلویزیون بود. برای مثال بعدی اجازه بدهید برویم سراغ مدیر تازه شبکه مستند. شبکه‌ای که پس از رفتن محسن یزدی، بدون مدیر به کارش ادامه می‌داد و حالا حسین زارع‌زاده را به‌عنوان مدیر بالای سرش می‌بینند. مدیری که سابقه ساخت مستند دارد و مدیرگروه مستند، معاونت سیاسی و گروه سیاسی شبکه دو و افق را هم برعهده داشته است. برای اینکه از دایره انصاف خارج نشده باشیم سابقه تهیه‌کنندگی و کارگردانی مجموعه مستندهای «از تهران تا موریس» را هم به سوابق کاری ایشان اضافه می‌کنیم. به نظر شما این سوابق برای هدایت و مدیریت شبکه‌ای که در سال‌های اخیر متفاوت بوده و مخاطبان خودش را هم پیدا کرده کفایت می‌کند؟ اگر معیار انتخاب مدیران تلویزیون همین رزومه و سوابق باشد چه تعداد جوان در همان سازمان می‌توانند ادعا کنند برای مدیریت هر شبکه‌ای در تلویزیون! در احکام سال گذشته برمهانی، دو متولد ۶۷ هم به چشم می‌خورد. انتصاب این دو، احتمالا از همان سیاست توجه به جوان‌گرایی آمده است. حسین شاه‌مرادی یکی از آنها بود که مدرک کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه علامه طباطبایی(ره) داشت و مدیر انتشارات امیرکبیر بوده و مدیریت مرکز رسانه‌ای شیرازه هم با او بوده است. تهیه‌کنندگی برنامه «شب روایت» از همین شبکه چهار سیما در سه فصل، مهم‌ترین تجربه مدیریتی رسانه‌ای و شبکه‌ای کارنامه حرفه‌ای او بوده است. عملکرد شبکه چهار از سال گذشته تاکنون قابل بررسی است، هرچند زمانی طولانی طی نشده است. دیگر مدیر متولد ۶۷ که همان سال گذشته حکم گرفت و همزمان مدیریت دو شبکه را برعهده گرفت، محمدصادق باطنی بود. بد نیست نگاهی بیندازیم به کارنامه کاری باطنی؛ معلم، مدرس دانشگاه، مستندساز، برنامه‌ساز و شاعر. مدیریت مجتمع آموزشی پژوهشی شهید آوینی صداوسیما، مدیریت آموزش بسیج صداوسیما، موسس و مدیر باشگاه هنر و رسانه نوجوان صداوسیما ازجمله سوابق رسانه‌ای باطنی پیش از مدیریتش بر دو شبکه مهم و حساس تلویزیون است. البته در کارنامه کاری او اجرا، تهیه‌کنندگی و کارگردانی هم دیده می‌شود. عملکرد این مدیر هم در همین مدت، قابل تحلیل است؛ هرچند زمان زیادی را طی نکرده است.

شروع آرایشگری با داماد؟

نگاه دقیق به فهرست مدیران شبکه‌های تلویزیونی در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که اینجا هم با پدیده افراط و تفریط مواجه بودیم. اگر در دهه ۷۰ و ۸۰ و حتی ۹۰، مدیر باتجربه و با موهای سفید از نان شب هم واجب‌تر بود و مدیری با موهای مشکی، کمتر پیدا می‌شد، در دو سه سال اخیر به‌ندرت موی سفید روی سر مدیران تلویزیون می‌بینیم. مدیرانی که حتی شاگردی مدیران قدیمی را هم درک و تجربه نکرده‌اند و مستقیم نشسته‌اند جای اوستا. ممکن است عده‌ای اعتقاد داشته باشند که جوان باید آزمون و خطا کند تا تجربه به دست بیاورد و حتما هم شاهد مثال‌شان همان مدیران قدیمی هستند. اما مساله اصلی اینجاست که این مدیران جوان یا تازه‌نفس، کنار کدام مدیر باتجربه بوده‌اند یا از چه کسانی یاد گرفته‌اند؟ رشته‌های تحصیلی مرتبط، معیار صحیحی برای انتخاب مدیران هستند یا تجربیات آنها یا دلایل دیگر؟ شبکه مستندی که نزدیک به چهار ماه بدون مدیر، فعالیت می‌کرد حالا با مدیر جدیدی که سابقه ساخت چند مستند را دارد، چه تغییرات مثبتی باید داشته باشد؟ تحول، هم شعار قشنگی است و هم آرزوی فعالان رسانه‌ای و حتی مخاطبان است اما نباید از این دو سالی که گذشت درس گرفت؟ مدیر شبکه، صرفا با جمع کردن دوستان و آشنایان و ساخت برنامه‌های تازه با آنها نمی‌تواند موفق باشد و برای شکل‌گیری برند هرکدام از این شبکه‌ها، هزینه‌های بسیار مالی، زمانی و انسانی شده است. خراب کردن این برندها اما نیاز به زمان زیادی ندارد. هیچ پدر عاقلی، ماشین گران‌قیمتش را برای آموزش رانندگی به فرزندش نمی‌دهد. حضور یک مربی یا راهنما کنار راننده است که هم به او آموزش می‌دهد هم اعتمادبه‌نفس. اوست که نظارت می‌کند و ایرادات را اصلاح می‌کند. این شبکه‌ها، ماشین‌های گران‌قیمتی هستند که برای راندن‌شان نه‌فقط نیاز به تک برنامه‌های موفق است و نه هیجان جوانی و نه نوآوری‌هایی که گاه به ناکجا ختم می‌شود. جوانی که در ۳۰ سالگی مدیر فلان شبکه بوده، حتما در ۴۰ سالگی و فارغ از صلاحیتی که دارد یا ندارد به دنبال مدیریت بر همه سازمان صداوسیماست و این یعنی تراکم در مدیریت کلان بدون طی کردن پله‌های طبیعی مدیریت.

هم سرمایه‌سازی، برنامه و منطق می‌خواهد و هم تربیت نیروها و هدایت آنها. نمی‌شود به اسم جوان‌گرایی، سرمایه‌ها را سوخت داد و بعد از یک دوره مدیریت، اعتراف کنیم که اشتباه کردیم یا بدتر از آن اشتباهات‌مان را نپذیریم و خودمان را موفق بدانیم و نقدها را از سمت بدخواهان بدانیم و دشمنان. آنچه که در این دو سال‌ودو ماه دیده‌ایم، نویدبخش روزهای خوبی نیست و به احکام همین چندروز پیش هم به دلایلی که گفته شد خیلی خوشبین نیستیم. اما منتظر می‌مانیم و دعا می‌کنیم که این نیروهای تازه‌نفس موفق باشند و راه را برای جوانانی که پشت خط مانده‌اند هموار کنند و شاهد ساخت برنامه‌های جذاب و افزایش مخاطبان تلویزیون باشیم. کاهش مخاطبان که تبدیل به بحران شده است و رقبای قوی داخلی و خارجی هم این بحران را شدت بخشیده است.

حالا که یکدست شد، بهانه نیست؟

به نظر می‌رسد در شرایط فعلی تلویزیون، دو راه باقی مانده است؛ یا باید همچنان صبر کرد که این فرآیند آزمون و خطا برای جابه‌جایی یا جایگزینی در سطح مدیران شبکه، بالاخره یک جایی تمام شود و در یک شرایط ایستا عملکرد مدیران شبکه‌های مختلف را ارزیابی کنیم یا اینکه این دور تغییرات همچنان ادامه خواهد داشت و یک سال بعد، قرار است آدم‌های جدیدی با مینی‌بوس پیمان جبلی به تلویزیون بیایند. اگر صورت دوم اتفاق بیفتد، مثل همین‌چیزی است که این روزها شاهدش هستیم و می توان گفت نشانه‌های واضحی است از عدم ایده واحدی که قابلیت اجرا در سطح کلان مدیریتی داشته باشد و نهایتا این دور باطل تغییر مدیران هم نمی‌تواند کاری پیش ببرد. ساعت شنی مدیریت بر صداوسیما رو به اتمام است و آنچه از آمار و نظرسنجی‌ها برآمده است، نشان می‌دهد که تا به امروز ایده‌های تحولی مدیران هم نتوانسته عموم مخاطبان تلویزیون را جذب کند. فراتر از این جابه‌جایی‌ها پرسش اصلی این است که آیا مشکل اصلی در مدیران این شبکه‌هاست و با رفت‌وآمد آنها این مشکل رفع خواهد شد یا خیر؟ توجه بیش از حد به فردگرایی منجر به همین تغییرات مکرر در دو سال اخیر می‌شود. درنهایت اما باید دید با یکدست شدن ترکیب مدیران شبکه‌ها باز هم بهانه‌ای برای ساخته نشدن برنامه‌های جذاب و کاهش مخاطبان پیدا می‌شود یا خیر. مدیران صداوسیما اگر سال گذشته از همراه نبودن برخی مدیران گلایه داشتند حالا اما به آرزویشان که همان همراهی همگان بود رسیدند و باید منتظر خروجی این تغییرات باشیم.

ردیف	تاریخ	اسم	سمت	رزومه
۱	۱۰ آبان ۱۴۰۲	محمدباقر اعلمی	مدیر شبکه تهران	مدیرکل سیمای استان‌ها/ مدیر روابط عمومی دانشگاه صداوسیما
۲	۱۰ آبان ۱۴۰۲	حسین زارع‌زاده	مدیر شبکه مستند	مدیریت گروه مستند، معاونت سیاسی و گروه سیاسی شبکه دو و افق/ تهیه‌کنندگی و کارگردانی مجموعه مستندهای «از تهران تا موریس»
۳	۱۰ آبان ۱۴۰۲	محمدعلی غلامرضایی	مدیر شبکه‌های نمایش و تماشا	مبادلات برنامه‌ای و جشنواره استان‌ها/ مدیریت تامین برنامه اداره‌کل تامین و رسانه بین‌الملل
۴	۱۰ آبان ۱۴۰۲	حامد فاتحی‌پولادی	مدیر روابط عمومی معاونت سیما	مدیرکل روابط عمومی استانداری تهران/ مدیریت رادیو اربعین/ دبیر اجرایی ستاد رسانه‌ای حاج قاسم در رسانه ملی
۵	۱۰ آبان ۱۴۰۲	محمدرضا رضاپور	مشاور معاون سیما	پژوهشگر و کارشناس حوزه رسانه، جنگ نرم، شبکه‌های ماهواره‌ای/ مدرس واحدهای درسی رسانه‌شناسی، سواد رسانه‌ای، تحلیل محتوای پیام‌های ارتباطی، نماد و نشانه‌شناسی فرهنگی، کارآفرینی در حوزه فرهنگ، فناوری ارتباطات و اطلاعات، هویت و برندسازی و ...
۶	۱۲ مرداد ۱۴۰۱	صادق یزدانی	مدیر شبکه افق	سابقه گویندگی، تهیه‌کنندگی، مستندسازی و کارگردانی در شبکه‌های سیماوصدا/ مستند شهید بهشتی، مجموعه مستند نقاشی‌های انقلاب، مجموعه مستند بزرگ‌راه همت، مستند بلند پدر طالقانی و مجموعه مستند شهید رجایی
۷	۱۸ تیر ۱۴۰۱	محمدصادق باطنی	با حفظ سمت مدیر شبکه امید، مدیر شبکه کودک	مدیر مجتمع آموزشی پژوهشی شهید آوینی صداوسیما، مدیر آموزش بسیج صداوسیما، موسس و مدیر باشگاه هنر و رسانه نوجوان صداوسیما، دبیر و هم‌موسس المپیاد سواد رسانه‌ای
۸	۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱	مرتضی شمسی	مدیر شبکه آی‌فیلم	مدیریت شبکه الکوثر، ریاست مرکز پویانمایی صبا، مدیریت نظارت و ارزیابی معاونت برون‌مرزی، مدیریت کانال انگلیسی آی‌فیلم، مدیریت شبکه سحر و مدیریت دفتر صداوسیما در لبنان
۹	۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱	احسان کاوه	معاون برون‌مرزی صداوسیما	مدیریت شبکه تهران و ایران کالا، قائم مقامه مدیر شبکه پرس تی‌وی، مدیریت تولید شبکه آی‌فیلم و مدیریت مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری
۱۰	۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱	حامد باموت‌نژاد	مدیر شبکه دو	دبیری جشنواره مردمی فیلم عمار، مدیریت مدرسه سینمایی ماه، تهیه‌کنندگی سینمای مستند و داستانی، تهیه و تولید سریال تلویزیونی، تهیه‌کنندگی فیلم‌های سینمایی و عضویت در هیات انتخاب بخش مستند چهاردهمین جشنواره فیلم مقاومت و عضویت در هیات داوری جشنواره فیلمنامه صاحب قلم مرکز سیمافیلم
۱۱	۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱	حسین شاه‌مرادی	مدیر شبکه چهار	کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه علامه طباطبایی(ره) است. مدیریت انتشارات امیرکبیر، مدیریت مرکز رسانه‌ای شیرازه (مرکز تخصصی تبلیغ و ترویج کتاب)، تهیه‌کنندگی برنامه «شب روایت» از شبکه چهار سیما (سه فصل)، تهیه‌کنندگی برنامه تخصصی فلسطین (به نام «جان جهان» از شبکه چهار سیما)، تهیه‌کنندگی برنامه‌های «یک کتاب»، «مثبت صفر»، «کتاب نوش»، «مجله تصویری شیرازه»، سردبیری ماهنامه «شیرازه کتاب»، مدیریت دفتر روابط عمومی و امور بین‌الملل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، دبیر پویش ملی کتاب‌خوانی کتاب و زندگی و...
۱۲	۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱	علی عبدالعالی	مدیر شبکه آموزش	مدرک دکترای مهندسی برق-مخابرات از دانشگاه علم و صنعت ایران/ کارشناس آموزشی و مجری در برنامه‌های علمی آموزشی/ تالیف کتب درسی
۱۳	۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱	محمدحسین کشکولی	مدیر شبکه قرآن و معارف سیما	مدیر دفتر پژوهش‌های کاربردی اداره کل پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، مدیر خانه دین و رسانه اداره کل پژوهش‌های اسلامی صداوسیما/ نوشتن کتاب‌های دین، کرونا، رسانه، روایت چهل‌سالگی
۱۴	۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱	محسن برمهانی	معاون سیما	دبیر کلی تامین و رسانه بین‌الملل سیما، جانشینی مدیرکل تولید و مدیریت مستندهای خارجی شبکه PressTV
۱۵	۴ بهمن ۱۴۰۰	محمدرضا خوشرو	مدیر شبکه نسیم	مشاور معاون سیما، مدیرکل فرهنگ عمومی قوه قضائیه، مدیر گروه‌های مختلف پژوهشی و نقد ارزیابی برنامه‌های مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، مشاور پژوهشی معاون صدا و مدیریت اطلاعات و برنامه‌ریزی بنیاد سینمایی فارابی/ دبیری نشست‌های متعدد علمی-تخصصی با موضوع جریان شناسی رسانه‌ای در تراز انقلاب اسلامی
۱۶	۱۹ مهر ۱۴۰۰	احمد نوروزی	معاون برون‌مرزی صداوسیما	کارشناسی و مدیریت سه وب‌سایت خبری تحلیلی مرتبط با حوزه اروپا و آمریکا/ مدیریت یادداشت‌ها و مصاحبه‌های سایت انگلیسی Khamenei.ir / مشاور معاون برون‌مرزی سازمان صداوسیما/ قائم مقام محتوایی شبکه PressTV
۱۷	۹ آبان ۱۴۰۰	حسن عابدینی	رئیس خبرگزاری صداوسیما	خبرنگار، مجری و کارشناس برنامه‌های تلویزیونی/ قائم‌مقام خبرگزاری صداوسیما، مدیرکل اخبار خارجی صداوسیما، مدیرکل اخبار شبکه العالم

یکشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۹۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY